

امیرحسین نوبهار؛ سیاست خارجی پاکستان سال‌ها تلاش کرده است که استفاده از گروه‌های افراطی برای دستیابی به منافع ملی اش را رد کند. دست‌کم از مواضع اعلامی این کشور چنین برمی‌آید که سیاست‌های خود را بر مبنای مبارزه با خشونت و مبارزه با بنیادگرایی متمرکز کرده است. یکی از گروه‌هایی که آتشخور فکری و خواستگاه سیاسی آن طی سال‌ها در کشور پاکستان رشد یافته، جریان موسوم به «حقانی» است. گروهی که هربار طالبان رشد کرده، نامش نیز بر سر زبان‌ها افتاده و هربار کسی تلاش کرده که طالبان را تترئه کند، حساب این گروه را از طالبان جدا کرده است. اما حقانی‌ها چه کسانی هستند و آیا واقعا تفاوتی میان آنها و طالبان وجود دارد؟ برای پاسخ به این سؤال، به شناخت دقیق‌تری نیاز است.

دارالعلوم «حقانیه» مدرسه‌ای مذهبی در شمال غرب کشور پاکستان است. این مدرسه حدود نیم قرن پیش در شهر «اکوهر ختک» ایالت «خیبر پختونخوا» بنا نهاده شد. شهر کوچکی که مشهور است در حدود پنج قرن پیش برای چند سال میزبان «اکبرشاه گورکانی» بود.

شاید مدرسه حقانیه به نسبت سایر مدارس دینی آسیای جنوبی، قدمت چندانی نداشته باشد اما حتما یکی از مشهورترین نهادهای دینی در منطقه آسیای جنوبی و غرب آسیاست. البته این مدرسه شهرتِش را نه به خاطر بنیادهای علمی و فقهی که به دلیل تأثیراتش در تحولات جنوب آسیا به‌خصوص افغانستان به دست آورده است. شبکه حقانی به‌عنوان گروهی سیاسی-نظامی که بیشتر در افغانستان فعالیت می‌کند، از جمله گروه‌های تحت تأثیر این دارالعلوم است. جلال‌الدین حقانی، مؤسس این گروه یکی از افرادی است که در دوره حکومت طالبان پیش از سال ۲۰۰۰ به‌عنوان وزیر در حکومت طالبان حضور داشت. او با وجود عدم عضویت در هسته‌های مرکزی طالبان، توانسته بود در حکومت آنها سهمیم شود که به

بهاره مجبی: «امروز ایتالیا نیازمند اتحاد است و من به روشی دیگر به کشورم خدمت خواهم کرد». این بخشی از بیانه روز یکشنبه سیلویو برلوسکی، نخست‌وزیر سابق ایتالیااست که در آن انصراف خود را از رقابت برای کسب کرسی ریاست‌جمهوری اعلام کرده است. نمایندگان پارلمان ایتالیا در حالی از امروز رأی‌گیری برای انتخاب رئیس‌جمهور بعدی کشورشان را آغاز می‌کنند که به نظر می‌رسد محتمل‌ترین گزینه برای ریاست‌جمهوری ماریو دراکی نخست‌وزیر فعلی ایتالیااست.

مقام ریاست‌جمهوری در ایتالیا گرچه تشریفاتی است؛ اما رئیس‌جمهوری یکی از تأثیرگذارترین

نظر می‌رسد قدرت چانه‌زنی او با تروریست‌های القاعده در گرفتن این سهم بی‌تأثیر نبوده است. همچنان که القاعده بیشترین فعالیت را در منطقه تحت امر حقانی در وزیرستان شمالی انجام می‌داد.

پس از مرگ جلال‌الدین حقانی در حدود سال ۲۰۱۴ که هنوز هم اطلاعات کاملی از آن در دسترس نیست یا احتمالا چند سال پیش از آن، پیرش سراج‌الدین حقانی کنترل شبکه را در اختیار گرفت. سراج‌الدین حقانی مسئول حملات تروریستی متعددی بین سال‌های ۲۰۰۸ تاکنون شناخته می‌شود که تنها برخی از آنها را بر عهده گرفته است. دو حمله انتحاری سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ علیه سفارت هند در کابل با ۷۰ کشته و حمله به هتل کننتینتال کابل در سال ۲۰۱۱ تنها بخشی از رفتارهای این گروه تحت رهبری حقانی پسر بوده است. او هم‌اکنون مانند پدر خود یکی از اعضای حکومت طالبان پس از تحولات اخیر افغانستان است. ارتباط سراج‌الدین با طالبان در سال ۲۰۱۶ تقویت شد؛ زمانی که به دنبال مرگ «اختر محمد منصور» که بعد از «ملاعمر» رهبری طالبان را بر عهده گرفته بود، به‌عنوان معاون «هیبت‌الله آخندزاده» آخرین رهبر این گروه معرفی شد.

برای فهم بیشتر تأثیر دارالعلوم حقانیه بر طالبان بد نیست بدانیم که ملاعمر و اختر محمد منصور نیز از جمله تحصیل‌کردگان این نهاد بوده‌اند. «خلیل‌الرحمن حقانی» و«انس حقانی» نیز از دیگر چهره‌های این شبکه هستند. همچنان که از پسوند نام اعضای شبکه حقانی برمی‌آید، این افراد بیشترین هویت اعتقادی خود را از مدرسه حقانیه پاکستان کسب می‌کنند.

دولت پیشین افغانستان عقیده داشت حقانیه مسئول تهدیدات افغانستان است. موضوعی که به بخشی از موضع رسمی دولت افغانستان بدل شده بود. «صدیق صدیقی»، سخنگوی آخرین رئیس‌جمهوری افغانستان به خبرگزاری فرانسه گفته بود که مدرسه‌هایی مانند

دارالعلوم حقانیه «جهادگرایی رادیکال را پرورش داده، طالب تولید کرده و کشور ما را تهدید می‌کنند». حمایت مالی پاکستان از این گروه نیز از جمله موارد اختلاف دو کشور در سال‌های اخیر بوده است.

در سال ۲۰۱۶ دولت پاکستان به‌صورت رسمی ۳۰۰ میلیون دلار (واحد پول در غزنی) معادل ۲۰۸ میلیون دلار به این مدرسه کمک کرد. کمکی که هرچند مورد انتقاد فعالان ضدتروریسم قرار گرفت اما دولت پاکستان آن را وسیله‌ای برای تأثیرگذاری در این مدرسه می‌دانست. به گفته حکومت محلی ایالت خیبرپشتونخوا هدف از اختصاص این پول برای این مدرسه، آوردن آن در زیر چتر نظام آموزشی رسمی پاکستان است. «عمران خان»، نخست‌وزیر پاکستان هم از بول‌پاشی دولتش در دفاع از این مدرسه عنوان کرده بود: طلبه‌های این مدرسه اگر منزوی شوند، همواره به‌عنوان یک تهدید باقی می‌مانند. ظاهرا اضافه‌شدن ریاضی، کامپیوتر، زبان انگلیسی و

سراج‌الدین حقانی، رهبر گروه حقانی، در یک جلسهٔ مطبوعاتی

عقب‌نشینی تاکتیکی از کاندیداتوری ریاست‌جمهوری

خیزش دوباره برلوسکنی از خاکستر

ریاست‌جمهوری ایتالیای بیدار شد. طرح او این بود که با کسب حمایت نمایندگان پارلمان ایتالیا جانشین سرژیو ماتارلا رئیس‌جمهوری ایتالیا شود که دوره هفت‌ساله ریاستش به‌زودی تمام می‌شود. طرح برلوسکنی پس از ماه‌ها مذاکرات نفس‌گیر و گمانه‌زنی‌های بدبینانه درباره آینده سیاسی این سیاست‌مدار ۸۵ساله که به خاطر برگزاری مجالس غیراخلاقی موسوم به «بونگا بونگا» و رسوایی‌های مالی شایسته شده است، بسته شد. نمایندگان ایتالیایی امروز قرار است که رئیس بعدی دولت را انتخاب کنند؛ آن هم در شرایطی که قدرت احزاب مخالف دست‌راستی روزبه‌روز افزایش یافته است. در چند دوره اخیر، رؤسای جمهور کابینه‌ها را

مهره‌های سیاسی است که در مواقع بحرانی قدرت انحلال پارلمان را انتصاب نخست‌وزیر جدید را دارد. برخی رسانه‌ها پیش‌تر گزارش داده بودند که برلوسکنی پس از چند ماه کارزار علنی برای جلب حمایت نمایندگان متوجه شده که شانسِی برای گرفتن کرسی ریاست‌جمهوری ندارد و به‌همین‌دلیل رویکردش را تغییر داده تا در مذاکرات پیچیده احزاب برای انتخاب رئیس‌جمهور بعدی ایتالیا نقش کلیدی داشته باشد. وب‌سایت فارن‌پالیسی درباره استفاده برلوسکنی از فرایند اخیر انتخاب رئیس‌جمهوری به‌عنوان سکوی پرش برای بازگشت به مرکز سیاست ایتالیا نوشته است: برلوسکنی از رؤیایی تصاحب دوباره کرسی

برگ سبز خودروپژو**۲06TU3**
رنگ سفید
مدل ۱۴۰۰ به شماره پلاک ایران ۴۰ ۴۱۹ ط ۵۷ و شماره موتور 182A0157489 و شماره شاسی NAAP03EE9MJ471576 به نام **مجتبی کر می نژاد**
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

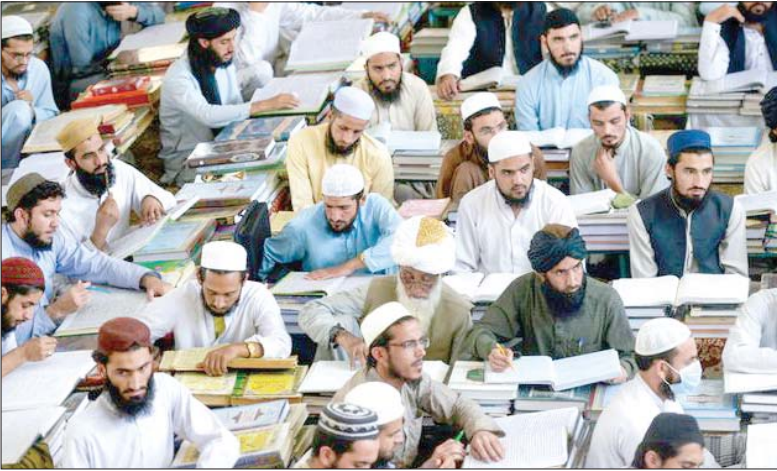
سند کمپانی و برگ سبز خودروپژو۲۰۶ تیپ ۲
رنگ سفید روغنی
رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۹ به شماره پلاک ایران ۵۴ ۶۷۱ ط ۵۲ و شماره موتور ۴۷۷۲۳۰۴۷۱۸۹ و شماره شاسی S1412286664275 به نام **علی قلی زاده**
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کارت خودروپژو۲۰۶ تیپ ۲
رنگ سفید روغنی
رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۹ به شماره پلاک ایران ۵۴ ۶۷۱ ط ۵۲ و شماره موتور ۴۷۷۲۳۰۴۷۱۸۹ و شماره شاسی NAAP03ED0BJ460598 به نام **کمال علمدار**
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کارت خودرومزد۸3
رنگ مشکی متالیک
مدل ۱۳۸۶ به شماره پلاک ایران ۱۱ ۵۳۴ ژ ۵۱ و شماره موتور ۱۵۶۳۰۱۳۵۸۶۰۰ و شماره شاسی NAGDSX8CC21C43651 به نام **پشوتن پور پژو شگ**
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

جهان

دارالعلوم «حقانیه»؛ هاروارد افراط‌گرایان



بدمیتون به برنامه‌های این مدرسه بخشی از چشم‌انداز دولت پاکستان برای حل حقانیه در نظام آموزشی رسمی خود است. اما اظهارات مدیران این مدرسه چندان شباهتی به اهداف چندمیلیون دلاری پاکستان ندارد.

مدیران مدرسه بارها اعلام کرده‌اند که به فارغ‌التحصیلان خود افتخار می‌کنند و از حضور افراد این مدرسه در دولت طالبان و شبکه حقانی خوشحال‌اند. همچنان که «یوسف شاه» مسئول مدرسه حقانیه حدود یک سال پیش از به‌قدرت‌رسیدن دوباره طالبان گفته بود: افتخار می‌کنیم که رهبران طالبان، شاگردان ما بودند. او که خود فرزند «سمیع‌الحق» متصدی پیشین این مدرسه و مشهور به پدر معنوی طالبان است، از جمله منتقدان دولت قبلی افغانستان بود. «راشد الحق سامی» معاون مدرسه حقانیه در پاکستان نیز گفته بود از اینکه طلاب این مدرسه حاکمان فعلی افغانستان هستند، احساس افتخار می‌کند.

سراج‌الدین حقانی، رهبر گروه حقانی، در یک جلسهٔ مطبوعاتی

حقانی‌ها پس از به‌قدرت‌رسیدن دوباره طالبان در حکومت این گروه شریک شده‌اند. «عبدالباقی حقانی» وزیر آموزش عالی طالبان است و «امیرخان متقی» سرپرستی وزارت خارجه طالبان را بر عهده دارد. «سراج‌الدین حقانی» نیز وزارت داخله این گروه را بر عهده گرفته است. با این‌ وصف طالبان نه‌تنها دولت فراگیر تشکیل نداد بلکه از خشن‌ترین تروریست‌ها برای اداره افغانستان استفاده کرد.

کارخانه تروریسم، دانشگاه جهاد، زادگاه طالبان و مدرسه افراط‌گرایان برخی از القاب این نهاد آموزشی است. عمده افراد این مدرسه پشتون هستند، نسبت‌های فابیلی دارند و با گروه‌هایی مانند القاعده و طالبان پاکستانی ارتباط دارند. این مدرسه بیش از آنکه نهادی علمی و فقهی باشد، یک دستگاه تربیتی است. همچنان که «هاروارد» تربیت نخبگان سیاسی آمریکا را بر عهده دارد، «دارالعلوم حقانیه» نیز رهبرانی بنیادگرا و خشن برای طالبان تربیت می‌کند. تربیت‌یافتگان مشهوری که هرکدامشان اکنون یکی از چهره‌های تاریخ خشونت و بنیادگرایی محسوب می‌شوند.

حالا این مدرسه که فارغ‌التحصیلان آن در اوج قدرت قرار گرفته‌اند، قرار است برای سرزمین تاریخی افغانستان نسخه بپیچد. در «اکوهر ختک» شهری که روزگاری میزبان «اکبرشاه» پادشاه فارسی‌دوست هندوستان بود و در ۶۰ کیلومتری «پیشاور» زادگاه ادیب پیشاوری و شهر شاهنامه‌خوان‌های اساطیری دور قرار دارد، نیروهایی برای طالبان تربیت می‌شوند که انکار قرار است در افغانستان فارسی‌زدایی کنند. طالبانی که تا همین حالا نشان داده است تمایلی به حفظ هویت افغانستان ندارد و تمامیت‌خواهی‌اش منحصر به سیاست نمی‌شود. اینجاست که طالبان کنونی را نباید صرفا تهدیدی علیه امنیت منطقه تلقی کرد بلکه باید آن را آغاز نزاعی فرهنگی برای دو سوی افغانستان دانست.

سراج‌الدین حقانی، رهبر گروه حقانی، در یک جلسهٔ مطبوعاتی

سراج‌الدین حقانی، رهبر گروه حقانی، در یک جلسهٔ مطبوعاتی

سراج‌الدین حقانی، رهبر گروه حقانی، در یک جلسهٔ مطبوعاتی

یکی از بدترین رهبران خود پس از دیکتاتوری بنیتو موسولینی خاصی شده است.

او تا سال ۲۰۱۳ همچنان نماینده پارلمان بود تا اینکه سرانجام به دلیل تقلب مالیاتی اخراج شد. برلوسکنی گرچه همچنان رهبر حزب فوروزا ایتالیا بود، اما منتقدانش در آن زمان طبله‌ها بیان سیاسی‌اش را سر دادند. با این حال جای برلوسکنی را در سیاست ایتالیا جریان تندرویی گرفت که جهان در یک دهه گذشته ضربات سنگینی را از آنان متحمل شده بود؛ جریانی که ظهور ملی‌گرایان راست افراطی بخشی از آن بود. در واقع، جنبش ضدتکلیلاتی پنج ستاره ایتالیا در ابتدا واکنشی بود به سیاست‌های سیاست‌مدارانی امثال برلوسکنی. این حزب که توسط پپ گریلو کم‌دین، پایه‌گذاری شد، تمرکزش در ابتدا مبارزه با فساد در نظام سیاسی ایتالیا بود و در این راه از شعارهای پوپولیستی چپ‌گرایان از جمله «درآمد پایه جهانی» استفاده می‌کرد، اما با ورود انبوهی از کاندیداهای غیرحرفه‌ای این حزب به پارلمان که ملا وعده داده بودند «پارلمان را مانند کنسرو تن ماهی باز خواهند کرد» مشخص شد که این سیاست‌مداران نابلد همان مشکلاتی را دارند که داعیه برطرف‌کردن‌شان را دارند. در همین حال، ملی‌گرایانی مانند متتو سالوینی، معاون سابق نخست‌وزیر و جورجیا مولونی، رهبر حزب راست‌گرای «برادران ایتالیا»، ظهور کردند. کسانی که حالا دست بالا را در جبهه محافظه‌کاران ایتالیا دارند.

اکنون با توجه به اینکه حزب برلوسکنی به‌عنوان عضو بلوک راست میانه - متشکل از فوروزا و دو حزب راست‌گرای، لیگ و برادران ایتالیا- حدود هفت درصد آرا را در نظرسنجی‌های اخیر به دست آورده، تلاش می‌کند هم‌پیمانان سیاسی خود را از جبهه دندروپایی جدا کند. احتمالا به همین دلیل است که برخی از منتقدان سابق رویکرد خود را تغییر داده و برلوسکنی را در قاست یک نیروی تعدیل‌کننده می‌بینند. حتی ماریو دراکی (نخست‌وزیر فعلی هم) تا حدی برای تعدیل متحدان راست افراطی خود گوشه چشمی به برلوسکنی دارد و این مسئله باعث مشروعیت‌بخشیدن به جایگاه برلوسکنی به‌عنوان یک شریک سیاسی قابل اعتماد شده است.

بیل لیونوت، نویسنده انگلیسی، می‌گوید: «می‌توانم درک کنم که چرا سیاست‌مداران ایتالیایی برلوسکنی را شخصی می‌دانند که می‌توان با او کار کرد؛ اما اینکه او را یک میانه‌رو بدانیم واقعا مسخره است. درست است که او در مقایسه با رهبران راست افراطی، میانه‌رو است، اما لایه درونی‌تر واقعیت این است که امثال برلوسکنی مسئول مستقیم ظهور سیاست‌مدارانی مانند سالوینی و مولونی هستند.»

گذشته از انتقادها، مسئله این است که برلوسکنی بار دیگر به‌عنوان یک مهره سیاسی تأثیرگذار در صحنه سیاسی مطرح شده است. هر بار که مرگ سیاسی این سیاست‌مدار کهنه‌کار اعلام شده، او بار دیگر از خاکستر برخاسته است. چندین دهه است که رئیس دولت ایتالیا از سوی چهره‌های چپ میانه انتخاب شده است. اگر در این دوره نیز پارلمان فردی را انتخاب کند که مورد تأیید برلوسکنی باشد، این می‌تواند یک پیروزی معنادار برای رهبری سیاسی باشد که روزگاری بدنام بوده است. به‌این‌ترتیب برلوسکنی می‌تواند بار دیگر خود را در مرکز صحنه سیاسی ایتالیا ببیند.

سراج‌الدین حقانی، رهبر گروه حقانی، در یک جلسهٔ مطبوعاتی

سراج‌الدین حقانی، رهبر گروه حقانی، در یک جلسهٔ مطبوعاتی

در حوالی میدان سرخ

رقابت در اوکراین؛ اجماع در برجام

● سال ۲۰۲۲ با مذاکرات پیاپی مسکو و غرب درخصوص اوکراین آغاز شد؛ مذاکرات سه‌گانه‌ای میان روسیه با ایالات متحده، ناتو و سازمان امنیت و همکاری اروپا که به نظر می‌رسد روزه امید برای ادامه گفت‌وگوها در مسیر مسکو-واشنگتن بیشتر است؛ ازاین‌رو با وجود مواضع تند جن ساکی، سخنگوی کاخ سفید و واکنش‌های قاطع ماریا زاخارووا، سخنگوی وزرات خارجه روسیه، شاهد گفت‌وگوی تلفنی سه‌شنبه هفته گذشته میان سرگنی لاوروف و آنتونی بلینکن بودیم که به دیدار روز جمعه وزرای خارجه دو کشور در ژنو منتهی شد. به نظر می‌رسد مهم‌ترین نکته این دیدار تلاش طرفین برای حل‌وفصل بحران اوکراین از مسیر دیپلماسی است؛ چراکه منازعه نظامی قطعا بدترین سناریوی پیش‌روی کرملین است که درگیر بحران‌های متعددی در خارج نزدیک خود است و از سویی گزینه مطلوب غرب نیز فشار حداکثری سیاسی برای مهار آنچه توسعه‌طلبی مسکو می‌خواند، است.

لاوروف در این دیدار نگرانی‌های روسیه را مشخصا بیان کرد و خواستار تضمین از سمت واشنگتن شد که گفته می‌شود طرف آمریکایی قرار است پاسخ را مکتوب اعلام کند و در هفته پیش‌رو وزرای خارجه دو کشور بار دیگر براساس آن دیدار و گفت‌وگو کنند. موضوع تضمین‌های امنیتی در دیدار چندساعته صبح ژانویه میان ریاپکوف و شرم در ژنو نیز مطرح شده بود. در واقع اصطکاک طرفین به خوانش متفاوت آنها براساس پیشینه تاریخی دو کشور در زمان جنگ سرد بازمی‌گردد؛ واشنگتن سناریوهایی را مطرح می‌کند که روسیه آماده حمله به اوکراین است؛ از سوی دیگر مسکو وضعیت جمعیت غیرنظامی در اوکراین را با زمان اشغال نازی‌ها در جریان جنگ جهانی دوم مقایسه می‌کند.

دراین‌میان یک تعارض منافع جدی وجود دارد که شرایط گفت‌وگو را پیچیده کرده است؛ کاخ سفید بر سیاست درهای باز ناتو تأکید دارد و کرملین معتقد است که ناتو به دنبال گسترش نفوذ خود در خارج نزدیک روسیه است؛ اما با وجود این تضاد منافع در اروپای شرقی و مشخصا اوکراین‌که هریک از طرفین تلاش می‌کنند از مسیر مذاکره مستقیم به منافع حداکثری خود دست یابند، رئیس‌جمهوری ایران عازم مسکو شد؛ سفری که رسانه‌های روسی از ماه پیش علت اصلی آن را موضوع برجام عنوان کردند تا نتیجه گفت‌وگوهای میان روسیه و آمریکا درخصوص برنامه هسته‌ای ایران به اطلاع ابراهیم رئیسی برسد. موضوعی که دو نکته در آن نهفته است: نخست خط میانجی مسکو میان تهران و واشنگتن و از سوی دیگر اجماع روسیه و آمریکا در قبال احیای برجام. نکته‌ای که نمایش سیاست خارجی چندبردار کشورهایی است که براساس واقع‌گرایی، منافع خود را دنبال می‌کنند. ذیل همین نگاه می‌توان به مذاکرات روز پنجشنبه الکساندر لاورنتیف، نماینده ویژه پوتین با محمد بن‌سلمان در ریاض نیز توجه داشت؛ برداری درخصوص آخرین تحولات منطقه و راهکارهای تقویت روابط که هم‌زمان با سفر رئیس به مسکو انجام شد.

دراین‌میان مسکو به دنبال حفظ موازنه تهدید در خاورمیانه با تأکید بر نظم منطقه‌ای است و ازاین‌رو لازم است برنامه هسته‌ای ایران کنترل شود و این درست همان نقطه اشتراک کرملین و کاخ سفید است. واشتنگتن که اولویت اصلی‌اش تمرکز در آسیاپاسیفیک با هدف مهار چین است، تمایلی به آشفتگی در غرب آسیا ندارد و او نیز احیای برجام را بهترین گزینه می‌داند؛ ازاین‌رو گزاف نیست اگر بگوییم مسکو و واشنگتن نقش پلیس خوب - پلیس بد را در مذاکرات ایفا می‌کنند؛ یکی دولت انقلابی را ترغیب به مذاکره می‌کند و دیگری با اهرم زمان به تهران فشار می‌آورد.

همه چیز مشخص است؛ تهران به واسطه سیاست خارجی مبتنی بر یک‌جانبه‌گرایی و رویکرد ائتلاف وقت، شانس کمتری در چانه‌زنی در مذاکرات برای دستیابی به منافع حداکثری مبتنی بر منافع ملی ایران دارد؛ موضوعی که به نظر می‌رسد در دور ششم مذاکرات برجام زمان طلایی برای تهران بود.

بدون‌شک یکی از مهم‌ترین اصول در هر مذاکره‌ای این است که هریک از طرفین برای رسیدن به خواسته‌های‌شان امتیازاتی بدهند تا منافعی کسب کنند؛ اما هنر دیپلماسی این است که چه میزان امتیاز بدهند و به چه مقدار منافع دست یابند. روز جمعه بلینکن در حاشیه گفت‌وگوهای اوکراین از همتای روس خود خواست که از نفوذش بر ایران در قبال احیای برجام استفاده کند؛ پس همین موضوع نیز می‌تواند یک امتیاز در مذاکرات اوکراین به شمار آید.